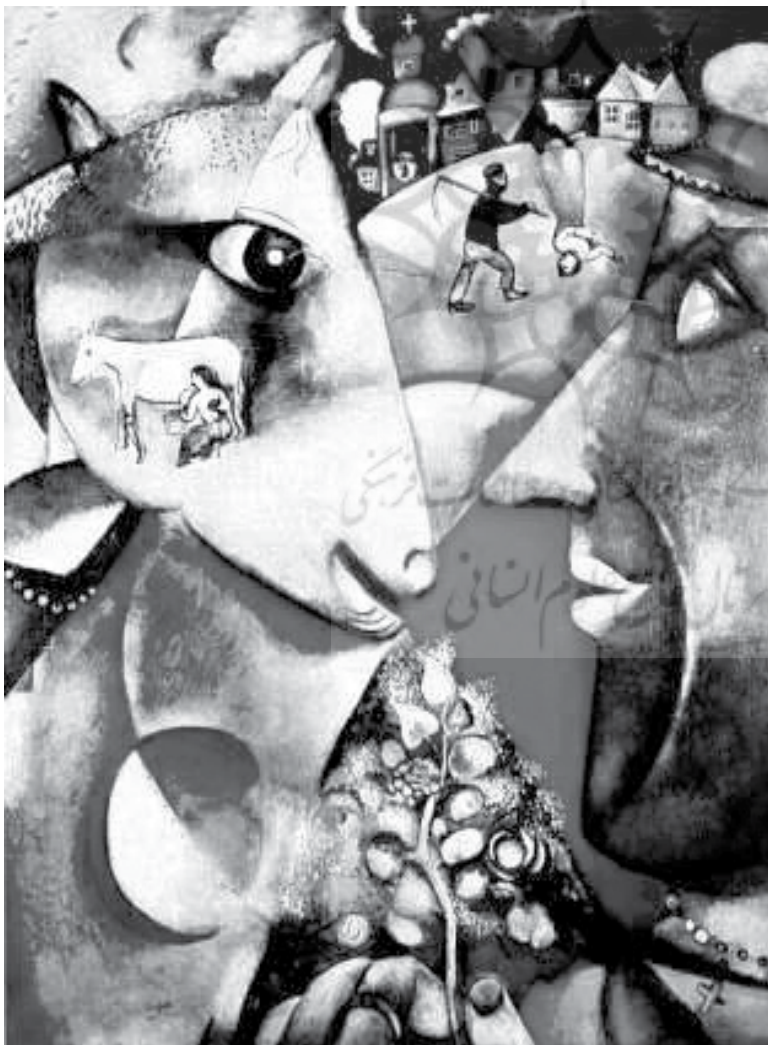


# هنر - ادب و فرهنگی دیگر در پدیده‌های به نام اکسپرسیونیسم

نمادین به آن‌ها بود. شروع این مکتب در سینما با فیلم «مطب دکتر کالیگاری» اثر «روبرت وینه» و با فیلم‌نامه‌ی «مایر» در سال ۱۹۲۰ شروع شد که به شدت تپنده و اکسپرسیونیستی نوشته شده بود. شاید هدف «مایر» از این فیلم‌نامه این بود که همه‌ی قدرت حاکم دستگاه حاکمه را که باعث شعله‌ور کردن جنگ‌های بی‌شمار، حاکم بر مرگ و زندگی مردم کشور شده بود متلاشی کند. بعضی از عناصر و جنبه‌های منعکس، در این فیلم مثل دوگانه‌گی حاکم بر روح بشر، نیرو و جبر سرنوشت، جاذبه‌های موجود است و هیولای مادون انسانی مستقیماً از سنت‌های ادبیات رمانتیک آلمان و بدبینی و روحیه‌ی دهشت‌زده‌ی رایج در آن گرفته شده است. در سال‌های ۲۰ میلادی شمار آزمایش‌هایی که انجام شد تا از «مطب دکتر کالیگاری» تقلید شود، کم نبود. فیلم‌هایی چون «دست‌های اورلاک» ۱۹۲۴،



## طلوع اکسپرسیونیسم

در آغاز قرن بیستم، نهضت بزرگی بر ضد رئالیسم و امپرسیونیسم پا گرفت که آرام آرام مکتب اکسپرسیونیسم از دل آن بیرون آمد. معروف است که واژه‌ی اکسپرسیونیسم برای اولین بار در تعریف برخی از نقاشی‌های «گوست اروه» به کار رفته است.

اکسپرسیونیسم جنبشی در هنر و ادبیات بود که بین سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۳۳ نخست در آلمان شکوفا شد. هدف اصلی این مکتب نمایش درونی بشر، به ویژه عواطفی چون ترس، نفرت، عشق و اضطراب بود. هنر اکسپرسیونیستی هنری است که یک فشار یا ضرورت درونی را آزاد کند. این فشار بر اثر عاطفه یا احساس ایجاد می‌شود. آزاد شدن نیروهای روانی به این صورت ممکن است به حرکات تند منجر شود و ظواهر امور طبیعی را چنان دیگرگون کند که زشت به نظر می‌رسد.

## اکسپرسیونیسم در سینما

پنج سالی را (از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴) که آلمان به خاطر شکست در جنگ به سخت‌ترین شکل ممکن طی کرد و در نتیجه‌ی شورش و کودتاها، مداخله‌های نظامی، کاهش ارزش پول و گرسنگی، به شدت متزلزل شد، از نظر هنری غنی‌ترین دوران سینمای آلمان به شمار می‌رود. «پل روتا» معتقد است که فقط کافی بود که کسی به سینمای آلمان نظری بیفکند تا بتواند به کاربرد حقیقی قلمرو سینما پی ببرد. نخستین آزمایش‌های هنری در سینمای آلمان نمایش‌گر گرایش‌های آن در به تصویر کشیدن روی‌داذهای «درونی» و عینیت بخشیدن



کافکا به یک موجود زشت شبیه یک سوسک غول‌پیکر، بیان‌گر بینش نومیدانه و بدبینانه‌ای است که نویسنده به موقعیت انسان معاصر دارد.

اکسپرسیونیسم در ادبیات نمایشی (تئاتر) در زمینه‌ی تئاتر، «گوست استریندبرگ» یکی از پیش‌تازان می‌باشد. مکتب اکسپرسیونیسم، در زمینه‌های هنری بیش‌ترین تأثیر خود را در هنرهای نمایشی برجای گذاشته است. ویژه‌گی‌ها و ابزاری که در این‌گونه نمایش‌نامه‌ها و نمایش‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، گفت‌وگوهای روشن‌فکرانه و ادبیانه، استفاده از صورتک‌های شخصیت‌هایی که بازی‌گران در صحنه به صورت خویش می‌زنند، وجود صحنه‌های گردشی، جلوه‌های نوین و تازه‌تر در نورپردازی صحنه‌ها، ابزارهایی که چندان با موضوع نمایش در صحنه هماهنگ نباشند، برنامه‌ریزی‌های مدرن برای نور و صدای صحنه، اهمیت ندادن به توالی و ترتیب زمان از ویژه‌گی‌های دیگر این مکتب است.

«جورج کایزر»، «برتولد برشت» و «ارنست تولر» از بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویسان مکتب اکسپرسیونیسم هستند که تأثیر زیادی در نمایش‌نامه‌نویسان و هنرمندان آمریکایی گذاشته‌اند.

پایان

تغییر شکل عمدی از واقعیت را در ادبیات جدید می‌توان نمونه‌هایی از روش اکسپرسیونیستی به حساب آورد. مسخ نمادین شخصیت‌ها در رمان «برخاستن فینگان» اثر جیمز جویس و استحالته‌ی شخصیت اصلی رمان «مسخ» کافکا شیوه‌های اکسپرسیونیستی محسوب می‌شوند. در این‌گونه آثار، واقعیت به همان شکل تحریف شده‌ای که به نظر نویسنده و شاعر می‌رسد، بیان می‌شود. بازتاب تحریف شده‌ی واقعیت‌ها در ذهن نویسنده و شاعر اکسپرسیونیست مبین دید و برداشت او از جهان است. از این‌رو برای مثال، استحالته‌ی شخصیت اصلی رمان «مسخ»



Egon Schiele  
Portrait of Paris von Gütersloh, 1918  
Oil on canvas, 55 1/4 X 43 1/4 in.

«تورگوس» ۱۹۲۰، «راسکول نیکف» ۱۹۲۳ و ... اما هیچ‌یک از این فیلم‌ها به سرمشق خود نرسیدند. اشکال اکسپرسیونیستی به صورت آرایش‌های ساده دگرگون شدند. در واقع این اشکال توانایی آن را نداشتند که بتوانند تصویر دنیای سه‌بعدی را مجسم کنند.

#### اکسپرسیونیسم در نقاشی

گفته شده که «گوگن» اولین نقاشی بود که نظریات و عقایدش بر این مکتب (در نقاشی) تأثیر فراوان گذاشت. او سال‌ها قبل از پیدایش این جنبش به نقاشان جوان متذکر شده بود که به هیچ‌وجه طبیعت را سرمشق خود قرار ندهند. هنرمندان این مکتب معتقدند که این هنرمند است که محیط خود را دگرگون می‌کند. «کوکوشکا»، «کاندینسکی» و «کلی» از اولین نقاشان برجسته‌ی این مکتب به شمار می‌آیند. این نقاشان از تقلید واقعیت روی گردانیدند و به‌جای آن به بیان متویات و نگرش اصلی خود نسبت به جهان پرداختند. در نقاشی، اکسپرسیونیسم واکنشی است علیه به جزئیات فرو رفتن امپرسیونیسم که پیچیده‌گی‌های رنگ‌به‌رنگ شونده‌ی تنوع برآشوبنده و تهرنگ‌های بی‌دوام طبیعت را بازتاب می‌دهد.

#### اکسپرسیونیسم در ادبیات

در ادبیات، اکسپرسیونیسم روشی گفته‌اند که جهان را بیش‌تر از طریق عواطف و احساسات می‌نگرد. به عبارت دیگر، کوشش هنرمند مصروف نمایش دادن و بیان حقایقی است که بر حسب احساسات و تأثیرات شخصی خود درک کرده است. تقریباً هر نوع تحریف و

